



# گزشتہ

فصلنامه اطلاع رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه شناسی و ایران شناسی

دوره سوم، سال هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۱ [انتشار: تابستان ۱۴۰۳]

«میراث جهان ایرانی»، چهارمین نشریه میراث مکتوب • فرمان تولیت بقعه ابوسعحاقیه مصلای شیراز، کارگاه نسخه نویسی در سده نهم / عبدالله شیخ الحکامی • باب الفاظ کفر از جواهر الفقه محمد بن منصور بخاری (تألیف نیمه قرن ۶ ق) / حمیدرضا بابک سلطانی • فصلی در الفاظ کفر از کتاب الولد الشقیق و الحافظ الخلیق (همراه با نگاهی به رساله سبحد و ده کلمه در الفاظ کفر به تصحیح رسول جعفریان) / سعید لیاد • نگاهی دوباره به واژه «سامان» در مصرعای از شاهنامه / رضا غفوری؛ نسخه ای از قصیده البرده منسوب به خوشنویس شهیر، یاقوت مستعصمی / راتلا وت؛ ترجمه، امیرحسین داوودی • پسر گمراه نوح در قرآن / گابریل سید ریولیز؛ ترجمه: نسیم حسینی • آیا سفونما، نوشته ناصر خسرو قبادلی است؟ / سعیدرضا توکل صابری • رباعیات کافی ظفر همدانی و قطب الدین عتیقی آهروی در سفینه رباعیات دانشگاه استانبول / علی کامل • یادگاری از ایران شناس عارف، لئونارد لویسن / مهرداد کویانی • نگاهی به فهرست نمایشگاه نسخ خطی کتابخانه شخصی سلطان فاتح / علی منوری آقانه • سعادت اهل فارس، درباره اتساب مؤلف تاریخ خلیج فارس به کازرون / محمداصف میرزابالاسی • ریشه شناس چه می کند؟ (۱۴) / سید احمدرضا قلمشانی • نویسنده ای که سراپا مهر بوده، سبزی در احوال و آثار محمد گلبن / مهدی بهخاک • زندگی و آثار صاری عبدالله اقلدی / نصرالله صالحی



فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون،  
نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی  
دوره سوم، سال هفتم، شماره سوم  
پاییز ۱۴۰۱ [انتشار: تابستان ۱۴۰۳]

صاحب امتیاز:

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر و سرویراستار: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و  
ابوریحان، ساختمان فروردین (شماره ۱۱۸۲)، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.com  
gozaresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۶۰۰،۰۰۰ ریال

روی جلد: جلد لاک‌پوش و بته، متعلق به مصحفی  
مورخ ۱۲۱۲ق، به نشانی M III 157 کتابخانه دانشگاه  
بازل (Basel).

## فهرست

### سرشن

«میراث جهان ایرانی»، چهارمین نشریه میراث مکتوب ..... ۴-۳

### بستار

فرمان تولیت بقعه ابواسحاقیه مصلائی شیراز، کارگاه نسخه‌نویسی در سده نهم/ عمادالدین شیخ‌الحکامی ... ۷-۵  
باب الفاظ کفر از جواهر الفقه محمد بن منصور بخاری (تألیف نیمه قرن ۴) / حمیدرضا بابک (سلماتی) ..... ۳۲-۸  
فصلی در الفاظ کفر از کتاب الولد الشفیق و الحافظ الخلیق (همراه با نگاهی به رساله سبید و ده کلمه در الفاظ  
کفر به تصحیح رسول جعفریان) / سعید لیان ..... ۴۶-۳۳  
نگاهی دوباره به واژه «سامان» در مصرع‌های شاهنامه / رضا غفوری ..... ۵۱-۴۷  
نسخه‌ای از قصیده البردة منسوب به خوش‌نویس شهیر، یاقوت مستعصمی / رافائلا ویت: ترجمه:  
امیرحسین داوودندی ..... ۵۸-۵۲  
پسر گمراه نوح در قرآن / گابریل سعید رینولدز: ترجمه: نسیم حسنی ..... ۷۰-۵۹  
آیا سفرنامه نوشته ناصر خسرو قبادیانی است؟ / محمدرضا توکلی صابری ..... ۸۱-۷۱  
رباعیات کافی ظفر همدانی و قطب‌الدین عتیقی آهری در سفینه رباعیات دانشگاه استانبول /  
علی کاملی ..... ۸۴-۸۲

### نقد و بررسی

یادی و یادگاری از ایران‌شناس عارف، لئونارد لوینسن / مجدالدین کیوانی ..... ۸۸-۸۵  
نگاهی به فهرست نمایشگاه نسخ خطی کتابخانه شخصی سلطان فاتح / علی صفری آق‌قلعه ..... ۹۶-۸۹  
سعادت اهل فارس: درباره انتساب مؤلف کتاب تاریخ خلیج فارس به کازرون / محمداصق  
میرزابوالقاسمی ..... ۱۰۱-۹۷

### پژوهش‌های در باب تحقیق

ریشه‌شناسی چه می‌کند؟ (۱۴) / سید احمد رضا قائم‌مقامی ..... ۱۰۹-۱۰۲

### آشنایی با نشرستانان و متن پژوهان (۸)

نویسنده‌ای که سراپا مهر بود: سیری در احوال و آثار محمد گلبن / مهدی بهخیا ..... ۱۱۸-۱۱۰

### ایران در متون و منابع عثمانی (۳۷)

زندگی و آثار صاری عبدالله افندی / نصرالله صالحی ..... ۱۲۵-۱۱۹

یابد، از سوار شدن به کشتی امتناع می‌ورزد و در میان سیل و طوفان جان می‌بازد. گفت‌وگوی نوح با خدا درباره این پسر چنین است:<sup>۱</sup>

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ آمَنَ وَمَا آمَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ (۴۰) وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ مَجْرَاهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ (۴۱) وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوْحٌ ابْنَهُ وَكَانَ فِي مَعْزِلٍ يَا بُنَيَّ ارْكَب مَعَنَا وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ (۴۲) قَالَ سَأُوْبِي إِلَىٰ جَبَلٍ يَعْصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ مِنَ الْمُغْرَقِينَ (۴۳) وَقِيلَ يَا أَرْضُ ابْلَعِي مَاءَكَ وَيَا سَمَاءُ اقلِعِي وَغِيضَ الْمَاءِ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَاسْتَوَتْ عَلَىٰ الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ (۴۴) وَنَادَىٰ نُوْحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ (۴۵) قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ (۴۶) قَالَ رَبِّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَسْأَلَكَ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَإِلَّا تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي أَكُنَ مِنَ الْخَاسِرِينَ (۴۷)

۱. کارلوس سگویا این فرض را مطرح می‌کند که احتمالاً این گفت‌وگو (هود، ۴۵-۴۷) در جای درست نیامده و معتقد است که پیش از وقوع طوفان، یعنی زمانی که هنوز سرنوشت پسر نوح مشخص نشده بود، زمان بهتری برای چنین گفت‌وگویی است؛ رک.

Carlos Andrés SEGOVIA, *The Quranic Noah and the Making of the Islamic Prophet*, Berlin-Boston, De Gruyter ("Judaism, Christianity, and Islam", 4), 2015, p. 57.

رژي بلاشر این آیات را افزوده متأخر می‌داند، رک.

Régis BLACHÈRE, *Le Coran*, Paris, Maisonneuve, 1957, p. 250-251. بلاشر می‌نویسد: روند ماجرا [در آیات ۴۵-۴۷] با آیه ۴۶ [آیه ۴۴] مصحف قاهره] به هم ریخته است. این گونه وسوسه می‌شویم که این بخش را به بعد از آیه ۴۲ [۴۰] منتقل کنیم، که در آن استثنای صورت گرفته به همین پسر رانده شده مربوط است» (ص ۲۵۰، حاشیه مربوط به آیات ۴۷-۴۹). ریچارد بل نیز موافق است که آیه ۴۵ ادامه منطقی آیه ۴۰ است (و حدس می‌زند که بنا بوده است آیات ۴۵-۴۷ به جای ۴۱-۴۴ بیایند)، رک.

Richard BELL, *A Commentary on the Qur'an*, eds Clifford Edmund BOSWORTH and Mervyn Edwin John RICHARDSON, Manchester, University of Manchester Press ("Journal of Semitic Studies. Monograph", 14), 1991, I, p. 359.

## پسر گمراه نوح در قرآن\*

گابریل سعید رینولدز

ترجمه: نسیم حسینی

### چکیده\*

در آیات ۴۲ تا ۴۷ سوره هود، درباره نوح و خطاب او به یکی از پسرانش سخن رفته است؛ نوح از پسر می‌خواهد که سوار کشتی شود، ولی پسر از این کار امتناع می‌کند و می‌گوید که قصد دارد به قلّه کوهی فراز شود و در آن جا از طوفان و سیل پناه بگیرد. هنگامی که پسر در میان طوفان گم می‌شود، نوح روی به خدا می‌آورد و برای پسرش درخواست بخشایش می‌کند. من در این مقاله به رابطه این داستان قرآنی با مضامین مهم‌تر در قرآن می‌پردازم، که در مطالب مربوط به ابراهیم و پدرش نیز دیده می‌شود؛ محور این مضامین برخورد درست مؤمن با کافران و به‌ویژه اعضای بی‌ایمان خانواده‌شان است. پس از مطالعه نظریه‌های پیشین درباره این داستان، این گزاره را طرح می‌کنم که روایت پسر گمراه نوح (که در کتاب مقدس یافت نمی‌شود)، رابطه خاصی با کتاب حزقیال، باب ۱۴، دارد که در آن به‌طور فرضی از پسر ناصالح نوح سخن می‌رود. نتیجه پژوهش این است که داستان نمونه‌ای پراهمیت است که نشان می‌دهد چگونه در قرآن روایات پیشین برای پیش‌برد استدلال‌های مذهبی خاص آن کتاب به کار گرفته و دگرگون شده است.

\*\*\*

در سوره هود، یازدهمین سوره قرآن، یکی از پسران نوح به خیال آن‌که می‌تواند با پناه بردن به بلندای کوه از طوفان نجات

\* این نوشته ترجمه‌ای است از:

Gabriel Said REYNOLDS, "Noah's Lost Son in the Qur'an", *Arabica* 64 (2017), 129-148.

\* از گیلوم دی و مهدی شاددل بابت نظراتی که درباره نسخه اولیه این مقاله ارائه کردند تشکر می‌کنم. مسئولیت هر خطایی با نویسنده است.

و آن‌گاه که فرمان ما در رسید و [و آب به نشانه فرارسیدن عذاب] از تنور جوشید، گفتیم در آن کشتی از هر نوعی جفت جفت (نر و ماده) و نیز خاندانت را - به جز آن کس که قبلاً فرمان هلاک او داده شده - و نیز هر که را ایمان آورده است سوار کن؛ و جز اندکی با او ایمان نیاورده بودند. (۴۰) و گفت: در آن سوار شوید به نام الله در حال حرکت و توقفش، همانا پروردگار من واقعاً بسیار آمرزنده و مهربان است. (۴۱) و آن کشتی آنان را در میان امواجی کوه‌پیکر<sup>۲</sup> روان می‌ساخت. و نوح پسرش را که در کناری [جدایی گزیده] بود صدا زد: ای پسرک من با ما سوار شو و با کافران مباش. (۴۲) گفت به کوهی پنهانده خواهم شد که مرا از آب نگاه دارد. گفت: امروز هیچ ننگه‌دارنده‌ای از فرمان الله نیست، مگر کسی که به او رحم آورد. و موج میان آن دو فاصله افکند و او از غرق‌شدگان گشت. (۴۳) گفته شد: ای زمین، آبت را فرو کش، و ای آسمان [از باریدن] بازایست و آب فرو رفت و کار گزارده‌شد و کشتی بر جودی نشست. و گفته شد: دوری و هلاک باد قوم ستمگر را. (۴۴) و نوح پروردگارش را ندا کرد، گفت: پروردگارا پسر من از خاندان من است [که وعده نجات آنان را داده‌ای] و بی‌شک وعده تو حق است و تو عادل‌ترین داورانی. (۴۵) خدا گفت: ای نوح، او هرگز از خاندان تو نیست، او عمل ناشایسته‌ای است،<sup>۳</sup> پس چیزی

۲. برای توصیف موج به کوه، قس. شعراء (۲۶): ۶۳.

۳. «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرٌ صَالِحٍ». تفسیر آشکارتر این عبارت، اشاره به کردار (عمل) نوح (احتمالاً شفاعت او برای پسر کافرش) است. بنابراین، رودی پارت آن را «کرداری آشکارا نادرست»، و آرتور دروگه «مسئلاً این عملی ناشایست است» نوشته‌اند. با این حال، بیش‌تر مترجمان این عبارت را به گونه‌ای ترجمه می‌کنند که گویا سرزنشی خطاب به پسر نوح است نه خود او. در این صورت ضمیر در «إِنَّهُ» برای اشاره به پسر نوح یا اعمال پسر نوح (و نه عمل نوح) در نظر گرفته می‌شود. بنابراین، یوسف علی می‌نویسد:

“His conduct is unrighteous;”

محمد پیکتال می‌گوید:

“He is of evil conduct;”

رژیس بلاشر ترجمه می‌کند:

“Il a fait un acte impur;”

و محمد اسد می‌نویسد:

“He was unrighteous in his conduct”.

در حقیقت، ارتباط این آیه با آیه دیگر همین سوره (هود (۱۱): ۷۶)، که ابراهیم را به علت مجادله با خدا بر سر سرنوشت قوم سدوم سرزنش کرده‌است، نشان می‌دهد که در این‌جا نوح است که به خاطر گناهی مشابه، یعنی محاجه کردن با خدا، مورد سرزنش قرار می‌گیرد؛ رک.

Rudi PARET, *Der Koran*, Stuttgart, Kohlhammer, 1979; Arthur DROGE, *The Qur'an: A New Annotated Translation*, Sheffield-Bristol, Equinox (“Comparative Islamic studies”), 2013; Muhammad PICKTHALL, *The Meaning of the Glorious Qur'an*, London, Knopf, 1930; BLACHÈRE, *Le Coran*; Muhammad ASAD, *The Message of the Qur'an*, Gibraltar, Al-Andalus, 1993.

را که به آن آگاهی نداری از من مخواه، من تو را پند می‌دهم که مبادا از جاهلان باشی. (۴۶) گفت: پروردگارا من به تو پناه می‌آورم که از تو چیزی بخواهم که از آن آگاه نیستم، و اگر مرا نیامرزی و بر من رحم نیاوری از زیانکاران خواهم بود. (۴۷)<sup>۴</sup>

این بخش با مطالب کتاب مقدس درباره نوح تناقض دارد؛ در سفر پیدایش آمده‌است که نوح «سه پسر به نام‌های سام، حام و یافث داشت» (پیدایش، ۶: ۱۰)، و این پسران با او وارد کشتی شدند (پیدایش، ۷: ۱). اما قرآن تنها از یک پسر یاد می‌کند که سوار کشتی نمی‌شود. مقاله حاضر اساساً به بحث پیرامون این تعارض اختصاص دارد. من این پرسش را مطرح خواهم کرد که چرا قرآن (با نادیده گرفتن سام، حام و یافث)، روایت پسری از نسل نوح را به مخاطبان خود ارائه می‌کند که در میان امواج طوفان گم می‌شود؟ در پاسخ به این سؤال، ابتدا به ارتباط این روایت با مضمون بزرگ‌تر و مهم‌تر نفی و طرد اعضای کافر خانواده در قرآن می‌پردازم؛ پس از آن، این استدلال را پیش خواهم کشید که در واقع پسر بی‌ایمان نوح در قرآن از ناکجا ظاهر نمی‌شود، بلکه گفت‌وگو با دادوستد پویای قرآن را با یکی از سنن مربوط به کتاب مقدس بازتاب می‌دهد. («پسر گمراه» نوح نمونه‌ای است که به ما نشان می‌دهد قرآن یک سنت پیشینی را پرورش داده‌است و آن را به صورت روایتی برای پیش‌برد یکی از استدلال‌های شاخص مذهبی خود در آورده‌است.

### جایگاه پسر گمراه نوح در قرآن

دیوید مارشال در کتاب خود، خدا، محمد و کافران، تحلیلی روشنگرانه از هدف ذکر داستان پسر گمراه نوح در قرآن ارائه

این اختلاف نظر در میان مترجمان به دنبال بحث بر سر تفسیر این عبارت پیش آمده‌است، که گاهی به صورت «إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرٌ صَالِحٍ» تصحیح می‌شود، و مفسران قدیم آن را چنین توضیح می‌دهند که پسر نوح مرتکب عمل شرک شد. برای نمونه رک. ابو عبدالله محمد القرطبی (د. ۱۲۷۳ق/۶۷۱م)، الجامع لأحكام القرآن، تصحیح عبدالرزاق المهدی (بیروت: دارالکتب العربی، ۱۴۳۳/۲۰۱۲)، ج ۹/ص ۴۲. برای اطلاعات بیشتر در باره این بحث رک.

Gabriel Said REYNOLDS, “A Flawed Prophet? Noah in the Qur’an and Qur’anic Commentary”, in *Islamic Studies Today: Essays in Honor of Andrew Rippin*, eds Majid DANESHGAR and Walid A. SALEH, Leiden-Boston, Brill, 2016, p. 260-273.

۴. نویسنده مقاله برای ترجمه قرآن از این ترجمه استفاده کرده‌است:

Ali Quli QARA'I, *The Qur'an with Phrase-by-Phrase English Translation*, New York, Tahrike Taarsile Qur'an, 2007.

[برای ترجمه فارسی از ترجمه حسین استادولی (انتشارات اسوه، ۱۳۸۷) استفاده شده‌است (با برخی تغییرات جزئی).]

بستگان و همشهریان کافرش در مکه را بپذیرد.<sup>۹</sup> مارشال در این باره می‌نویسد: «در این جا لحظه بسیار روشنگرانه‌ای از دل مشغولی‌های محمد<sup>[ص]</sup> پیش چشم ما نمایان می‌شود، آشفتگی و تکاپوی او برای هماهنگ کردن دنیای درونی‌اش با خواسته‌های خدا».<sup>۱۰</sup>

تفسیر انگلیکا نیویورت از این روایت اختلاف چندانی با تفسیر مارشال ندارد. نیویورت، که مانند مارشال، از نظر گاه‌شماری پیرو طبقه‌بندی تئودور نولدکه برای این موضوع است، این داستان را انعکاسی از وضعیت مؤمنان در اواخر دوره سکونت در مکه می‌داند، یعنی زمانی که بسیاری از آنان مجبور شدند با اعضای بی‌ایمان خانواده خود قطع رابطه کنند: «این موضوع نشان‌دهنده تعارضات واقعی بین مؤمنان و کافران است که در زمان نزول سوره نیز ساختار بسیاری از خانواده‌ها را متزلزل کرده بوده است».<sup>۱۱</sup> در واقع، در قرآن عموماً از داستان‌های پیامبران استفاده

می‌کند. او روایت پسر گمراه نوح را در چارچوب این استدلال عام‌تر خود مورد بحث قرار می‌دهد که در قرآن، رحمت خدا شامل کافران نمی‌شود.<sup>۵</sup> مارشال بر این باور است که سوره هود (که سنتاً به اواخر دوران مکی مربوط می‌شود)<sup>۶</sup> لحظه‌ای از زندگی محمد<sup>[ص]</sup> را منعکس می‌کند که در تقلاً و کشمکش بسیار بود، تقلاً با آنچه محمد<sup>[ص]</sup> دعوت خدا به جدا کردن خود از کافران مکه می‌دانست، با احساس وابستگی دیرینه خود به آن کافران که (چنان‌که در متون سیره آمده است) قوم خودش بودند (و حتی برخی اعضای خانواده‌اش بودند). مارشال می‌نویسد: «برای محمد<sup>[ص]</sup> دشوار بود که پیوندها و روابط طبیعی خود را با جامعه‌ای که در آن جایگاه بالایی داشت بگسلد».<sup>۷</sup> به بیان دیگر، مارشال این استدلال را مطرح می‌کند که تردید نوح در انکار پسر بی‌ایمانش (قابل مقایسه با مؤمنون (۲۳): ۲۷، که گویای آن است که نوح دل‌نگران همه کسانی بود که به نابدی با طوفان محکوم شده بودند)، نمایی از تقلاً و تکاپوی محمد<sup>[ص]</sup> در رابطه با طرد و نفی قوم کافر خویش است.<sup>۸</sup> نوح با اکراه و تردید خود را تسلیم اراده خدا می‌کند تا از دل‌بستگی به پسر بی‌ایمانش چشم‌پوشد، و این بازتاب همان روندی است که محمد<sup>[ص]</sup> پیمود تا امتناع خدا از رحمت آوردن بر

۵. شایان توجه است که در قرآن به کفر پسر گمراه نوح تصریح نشده است. او فقط حاضر نشده است به مؤمنانی که سوار بر کشتی شده‌اند بپیوندد (آیه ۴۳). البته این بر بی‌ایمانی او دلالت التزامی دارد، چنان‌که در آیه ۴۶ نیز گفته شده که او را نباید از خاندان نوح دانست. فضل الرحمن احتمالاً با در نظر گرفتن تفاسیر سنتی (پانوش ۴) است که از او به «پسر بت‌پرست» نوح تعبیر می‌کند؛ رک.

FAZLUR RAHMAN, *Major Themes of the Qur'an*, Chicago, University of Chicago Press, 2009, p. 42.

۶. در چاپ استاندارد قاهره، این سوره را پنجاه و دومین سوره بر اساس ترتیب نزول دانسته‌اند. نولدکه نزول آن را کمی بعدتر و اوایل سومین مرحله مکی (هفتاد و پنجمین سوره بر اساس ترتیب نزول) می‌داند. بلاشر آن را هفتاد و هفتمین سوره نازل شده می‌شمرد؛ رک.

Theodor NÖLDEKE, Friedrich SCHWALLY, Gotthelf BERGSTRÄSSER and Otto PRETZL, *The History of the Qur'an*, ed. and transl. Wolfgang H. BEHN, Leiden-Boston, Brill ("Texts and studies on the Qur'an", 8), 2013, p. 118-126 (corresponding to the second edition of the German, originally published in 1909: I, p. 144-154).

برای سیاهه مقایسه‌ای سوره‌های قرآن بر حسب ترتیب نزول، مقدمه کتاب زیر را ببینید:

*Le Coran*, transl. Sami Aldeeb ABU-SAHLIEH, Vevey, L'Aire, 2008, p. 14-17.

7. David MARSHALL, *God, Muhammad and the Unbelievers*, Surrey, Curzon, 1999, p. 98.

۸. با وجود این، چنین نزاعی در آیه ۲۶ سوره نوح (که آن هم مکی است) دیده نمی‌شود. آن‌جا نوح دعا می‌کند که همه کافران نابود شوند.

۹. به نظر مارشال، سوره هود یک مرحله بینابین در روندی است که محمد<sup>[ص]</sup> طی کرده است. در این سوره، نزاع میان خانواده و ایمان نمود کمتری دارد. در عوض، موضوع نسبت بر اساس ایمان در سوره اعراف پررنگ است. مارشال در بحث خود درباره پسر گمراه نوح، با تهکم این سخن بل را نقل می‌کند که نوشته‌بود: «اسلام همه روابط را قطع می‌کند». مارشال در این باره به ایزوتسو هم اشاره می‌کند. به نظر مارشال، محمد<sup>[ص]</sup> در مدینه است که کاملاً با این اصل کنار می‌آید. در مدینه است که وی می‌پذیرد که کافران مطرود درگاه الهی اند (و تا وقتی ایمان نیارند) مشمول رحمت نخواهند شد؛ رک.

MARSHALL, *God, Muhammad and the Unbelievers*, p. 101; BELL, *Commentary*, I, p. 359; Toshihiko IZUTSU, *Ethico-Religious Concepts in the Qur'an*, Montreal, McGill University Press ("McGill Islamic studies", 1), 1966, p. 58.

10. MARSHALL, *God, Muhammad and the Unbelievers*, p. 101.

مارشال این جمله را از پژوهش گوردون نیوی (که به آن خواهم پرداخت) نقل کرده است: «اگر بتوانیم ماجرای نوح را همچون ماجرای موازی سرگذشت محمد<sup>[ص]</sup> بدانیم - و به نظرم می‌توانیم دل‌نگرانی نوح بازتاب‌دهنده نگرانی محمد<sup>[ص]</sup> درباره کسانی است که به او ایمان نیآورده‌اند».

Gordon NEWBY, "The Drowned Son: Midrash and Midrash Making in the Qur'an and Tafsir", in *Studies in Islamic and Judaic Traditions: Papers Presented at the Institute for Islamic Judaic Studies*, eds William BRINNER and Stephen RICK, Atlanta, Scholars Press ("Brown Judaic studies", 111, 178), 1986, p. 29.

11. Angelika NEUWIRTH, *Der Koran als Text der Spätantike: Ein europäischer Zugang*, Berlin, Verlag der Weltreligionen, 2010, p. 630.

نیویورت به این آیه اشاره می‌کند: «انسان را سفارش نمودیم که به پدر و مادرش نیکی کند، و اگر تو را واداشتند تا آن‌چه را بدان دانشی نداری شریک من سازی از آنان فرمان مبر. بازگشت شما به سوی من است، پس شما را به آن‌چه می‌کرده‌اید آگاه خواهم ساخت» (عنکبوت (۲۹): ۸؛ نیز مقایسه کنید با لقمان (۳۱): ۱۴-۱۵).

می‌شود تا به مؤمنان آموخته‌شود که اعضای کافر خانواده خود را ترک کنند (مسئله‌ای که در ادامه مفصل‌تر به آن خواهیم پرداخت). این نکته احتمالاً یکی از دغدغه‌های حقیقی نگارنده قرآن را در بافتار تاریخی‌اش بازتاب می‌دهد.<sup>۱۲</sup> اما من تمایلی ندارم این سوره را در گاه‌شماری مطرح در متون سنتی سیره قرار دهم، نخست به این علت که اهمیت قطع رابطه با اعضای کافر خانواده می‌تواند هم با دوران مکی سازگار باشد و هم با دوران مدنی، و نه فقط با دوره «سوم مکی».<sup>۱۳</sup> در این راستا، باید اشاره کرد که ریچارد بل بخش‌های مربوط به پسر گمراه نوح را الحاق مدنی می‌داند، زیرا به نظر او این مطلب به دغدغه‌های مؤمنان در مدینه می‌پردازد، مؤمنانی که اعضای کافر خانواده خود را در مکه ترک کرده‌بودند.<sup>۱۴</sup> نکته دوم و مهم‌تر آن است که من تردید دارم بتوان قرآن را با چنین قطعیتی با روایت‌های سنتی سیره (که همگی مدت‌ها پس از قرآن مطرح شده‌اند) کنار هم نشانند. به نظر من نه کل روایات سیره، ولی بخش عمده آن از متونی تشکیل شده‌است که در بسط یا توضیح مطالب قرآنی تهیه شده‌اند (دقیقاً به همین علت است که به نظر می‌رسد این گزارش‌ها اغلب با این مطالب قرآن مطابقت دارند). این بدان معناست که، به قول رژیس بلاشر، خواندن قرآن با تکیه بر سیره «چرخه‌ای

۱۲. اخیراً در مقاله‌ای به این موضوع پرداخته شده که تصویرپردازی نوح در قرآن عموماً به نحوی است که دغدغه‌های خود محمد (ص) را بازتاب می‌دهد: «محمد (ص) با قوم خویش از دهان نوح سخن می‌گوید و عناصر داستان‌های دارای ریشه در کتاب مقدس را در ساختاری متناسب با مواظ خویش به کار می‌گیرد»؛

Viviane COMERRO DE PRÉMARE, "Un Noé coranisé", *Revue d'Histoire des Religions*, 232 (2015), p. 624.

در باره نوح در کلیت سنت اسلامی، نیز رک.

Giovanni CANOVA, "The Prophet Noah in Islamic Tradition", in *Essays in Honour of Alexander Fodor in His Sixtieth Birthday*, eds Kinga DÉVÉNYI and Tamás IVÁNYI, Budapest, Eötvös Loránd University Chair for Arabic Studies ("The Arabist. Budapest Studies in Arabic", 23), 2001, p. 1-20.

۱۳. می‌توان دید که شرح ماجرای نوح در سوره هود (۱۱) و سوره مؤمنون (۲۳) در اولی (آیه ۴۵) به نگرانی نوح برای کافران تصریح شده، اما در دومی (آیه ۲۷) به این موضوع اشاره‌ای ضمنی شده‌است) با آنچه در سوره نوح (۷۱) آمده (دعای نوح برای نابودی همه کافران در آیه ۲۶) تفاوت دارد، هرچند ظاهراً هر سه سوره مکی هستند.

۱۴. «تردیدی نیست که در ذهن و ضمیر مهاجرین، و حتی چه‌بسا خود پیامبر، موضوع افسوس خوردن برای بستگان وجود داشته‌است، اما این افسوس نایست تقویت و تشویق می‌شد»، رک.

BELL, *Commentary*, I, p. 359.

باطل» خواهد بود.<sup>۱۵</sup> در مقاله‌ای دیگر، دلایل خود را در این زمینه به تفصیل ارائه کرده‌ام.<sup>۱۶</sup>

من درباره ارتباط روایت پسر گمراه نوح با سیره با مارشال (و نیز نیبورت) مخالفم، ولی با او هم‌نظرم که بهترین درک از این روایت در پرتو آموزه‌های قرآن درباره نگرش و رویکرد درست مؤمنان به کافران و تمرکز خاص قرآن بر نگرش مؤمنان به اعضای کافر خانواده‌شان به دست می‌آید. قرآن در این زمینه تعلیم می‌دهد که مؤمنان نباید برای کافران دعا و شفاعت کنند و در واقع نباید نسبت به آنان احساس هم‌دلی و هم‌دردی داشته‌باشند. از آن‌جا که خدا خود کافران را طرد کرده‌است، هر نوع هم‌دلی با آنان به معنای زیر سؤال بردن حکم اوست، که اگر عملی کفرآمیز نباشد، بی‌تردید گستاخانه است.

خدا، در قرآن، کافرانی را که توبه کنند و ایمان بیاورند می‌بخشد، اما کافران را در حال کفرشان دوست نمی‌دارد (بقره (۲): ۲۷۶). او با آنان می‌جنگد (توبه (۹): ۳۰)، آنان را استهزا می‌کند و رهایشان می‌کند تا در تاریکی گمراهی‌شان سرگردان بمانند (بقره (۲): ۱۵). به آنان می‌گوید که در خشم خود بمیرند (آل عمران (۳): ۱۱۹) و آنان را فراموش کرده‌است (توبه (۹): ۶۷). خداوند در کمین کافران است (هود (۱۱): ۱۲۱-۱۲۳؛ فجر (۸۹): ۱۴)، و علیه آنان توطئه می‌کند (آل عمران (۳): ۴۵؛ اعراف (۷): ۹۹؛ انفال (۸): ۳۰؛ هود (۱۱): ۲۱). او عذاب خود را بر آنان نازل می‌کند (فجر (۸۹): ۲۳) و بر آنان بسیار سخت‌گیر یا خشن است (هود (۱۱): ۵۸؛ ابراهیم (۱۴): ۱۷؛ لقمان (۳۱): ۲۴؛ فصلت (۴۱): ۵۰). آنان را نخواهد بخشید، حتی اگر پیامبر برایشان طلب بخشش کند (منافقون (۶۳): ۶)، و حتی اگر هفتاد بار از خدا برایشان بخشش بخواهد (توبه (۹): ۸۰).<sup>۱۷</sup>

۱۵. «ما در یک "چرخه باطل" افتاده‌ایم، برای آغاز سیره پیامبر از قرآن آغاز می‌کنیم و برای تعیین تسلسل زمانی قرآن به سیره پیامبر مراجعه می‌کنیم»؛

Régis BLACHÈRE, *Introduction au Coran*, Paris, Maisonneuve, 1959, p. 246.

16. Gabriel Said REYNOLDS, "Le problème de la chronologie du Coran", *Arabica*, 58 (2011), p. 477-502.

۱۷. چنان‌که مارشال در یک کلام می‌گوید: «خداوند آماده آموزش بی‌ایمانان در صورت توبه آنان است، اما از نظرش آنان کافرانی بی‌ارزش‌اند»؛ رک.

MARSHALL, *God, Muhammad and the Unbelievers*, p. 184.

عمومی است و اشاره می‌کند که مخالفان ابراهیم، هود، صالح، شعیب، لقمان، و نیز مخالفان پیامبر خود قرآن، کفر خود را به رسم پدرانشان نسبت می‌داده‌اند.<sup>۲۱</sup> در واقع می‌توان با قطعیت گفت که قرآن وابستگی سرسختانه به اعضای بی‌ایمان خانواده را تبیین و توضیحی اساسی برای کفر افراد می‌داند.

در این زمینه، ماجرای ابراهیم به‌طور خاص برای ما روشن‌گر است. در سوره انبیاء (۲۱) وقتی ابراهیم از پدر و قوم خویش می‌پرسد که چرا بت‌ها را می‌پرستند، آنان اصرار می‌ورزند که این کار را تنها به این علت انجام می‌دهند که پدرانشان از آغاز چنین می‌کرده‌اند: «آن‌گاه که به پدر و قوم خود گفت: این مجسمه‌ها چیست که پیوسته سر بر آستانشان دارید؟ گفتند پدران خود را پرستش کنند آن‌ها یافتیم» (انبیاء (۲۱): ۵۲-۵۳). در جای دیگر (انعام (۶): ۷۴)، قرآن به این اشاره دارد که ابراهیم مستقیماً پدر بت پرستش را (که برخلاف نامش در سفر پیدایش (= تارح)، در قرآن «آزر» نامیده می‌شود) موعظه می‌کند: «آن‌گاه که ابراهیم به پدرش آزر گفت آیا بت‌هایی را به خدایی می‌گیری؟ حقا که تو و قومت را در گمراهی آشکاری می‌بینم» (انعام (۶): ۷۴؛ نیز رک. مریم (۱۹): ۴۲-۴۵؛ انبیاء (۲۱): ۵۲؛ شعراء (۲۶): ۷۰-۷۱؛ صافات (۳۷): ۸۵؛ زخرف (۴۳): ۲۶).

در آیات دیگر، قرآن از وعده ابراهیم به پدر کافرش مبنی بر دعا برای او خبر می‌دهد (موضوعی ظاهراً معادل درخواست نوح برای پسر گمراهش در آیه ۴۵ سوره هود): «[ابراهیم] گفت: سلام بر تو، برای تو از پروردگارم آرزوش خواهم خواست که او به من بسیار مهربان است. و از شما و آنچه به جای خدا می‌پرستید کناره می‌جویم و پروردگارم را می‌خوانم، امید که در خواندن پروردگارم محروم از اجابت نباشم» (مریم (۱۹): ۴۷-۴۸؛ نیز رک. ابراهیم (۱۴): ۴۱؛ ممتحنه (۶۰): ۴). قرآن در سوره شعراء دعای ابراهیم را چنین نقل می‌کند: «و پدرم را پیامرزی که او از گمراهان است» (شعراء (۲۶): ۸۶). اما در سوره توبه تأکید دارد که مورد ابراهیم استثنا بوده و نه پیامبر و نه مؤمنان نباید برای اعضای کافر خانواده خود دعا

۲۱. رک. بقره (۲): ۱۷۰؛ مائده (۵): ۴؛ اعراف (۷): ۲۸، ۷۰ (هود)؛ یونس (۱۰): ۷۸ (موسی)؛ هود (۱۱): ۵۳ (هود)، ۶۲ (صالح)، ۸۷ (شعیب)؛ ابراهیم (۱۴): ۱۰ (همه پیامبران)، ۲۱، ۵۳ (ابراهیم)؛ لقمان (۳۱): ۲۱ (لقمان)؛ سبأ (۳۴): ۴۳؛ زخرف (۴۳): ۲۲-۲۴؛ احقاف (۴۶): ۲۲ (هود).

آیات قرآنی‌ای که بیانگر نکوهش کافران از سوی خداوند است به درک بهتر روایت پسر گمراه نوح کمک می‌کند. درست قبل از ذکر این روایت، خدا در قرآن به نوح هشدار می‌دهد که برای کافران شفاعت نکند: «با من درباره آنان که ستم کرده‌اند سخن مگو، آنان غرق‌شدنی‌اند» (هود (۱۱): ۳۷؛ قس. هود (۱۱): ۷۶، که ابراهیم به همین ترتیب به‌علت دعا و شفاعت برای ستمکاران قوم لوط مورد سرزنش قرار می‌گیرد).<sup>۱۸</sup> با این حال، نوح برای پسرش شفاعت می‌کند و خداوند همین‌گونه او را سرزنش می‌کند (هود (۱۱): ۴۶).<sup>۱۹</sup> زبانی که خداوند برای سرزنش نوح به کار می‌گیرد بسیار جالب است؛ او به نوح اعلام می‌کند که این پسر «از خاندان تو نیست»، سخنی که بحث‌های فراوانی در میان مفسران برانگیخته است،<sup>۲۰</sup> اما احتمالاً به این معناست که کافران را نباید عضو خانواده به حساب آورد.

در هر حال، منظور از سرزنش نوح از سوی خدا در آیه ۴۶ سوره هود، هشدار به مخاطبان قرآن درباره خطر پیوندهای طبیعی در روابط خانوادگی است. در واقع، قرآن عموماً نگران است که پیوندها و اتحادهای خانوادگی مردم را از ایمان به تعالیمش بازدارد. از نظر قرآن، انتقال کفر یا بت‌پرستی از پدران (نیاکان) به نسل‌های بعدی، مشکلی

۱۸. نیز قس. عنکبوت (۲۹): ۳۲، که در آن ابراهیم فقط نسبت به حضور لوط اعتراض می‌کند، اما باز هم توبیخ می‌شود. همچنین قابل مقایسه است با مؤمنون (۲۳): ۲۷-۲۸، که در آن هم خداوند به نوح هشدار می‌دهد که از کسانی که ستم کرده‌اند دفاع نکند. با وجود این، دفاع نوح از پسرش فقط در سوره هود آمده است.

۱۹. مقایسه کنید با ارمیا ۱۵: ۱: «پیهو مرا گفت: حتی اگر موسی و سمونیل برابر من می‌ایستادند، به این قوم ترحم نمی‌کردم. آنان را از من دور کن تا بروند!». مارشال در این باره می‌گوید: «قطعی است که توبیخی که از جانب خداوند صادر می‌شود آشکار می‌کند که نوح نتوانسته است چنان‌که شاید و باید احساسات پدرانش را مهار کند»؛ رک:

MARSHALL, *God, Muhammad and the Unbelievers*, p. 100.

۲۰. این نکته توجه برخی از مفسران مسلمان را برانگیخته است (به‌خصوص آنان به تحریم (۶۶): ۱۰ توجه داشته‌اند که از خیانت همسر نوح به‌همراه همسر لوط سخن گفته است) تا به این نتیجه برسند که این پسر گمراه پسر واقعی نوح نبوده و پسر زن او از مردی دیگر بوده است. در برخی روایات، عبارت «نادی نوح ابنه» (نوح پسرش را صدا زد) در آیه ۴۲ به‌صورت «نادی نوح ابنها» (نوح پسرزنش را صدا زد) آمده تا نشان دهد که این پسر از مردی دیگر است: از جمله رک. فخر رازی، مفتاح الغیب، تصحیح محمد بیضون (بیروت: دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۰)، ج ۱۷/ص ۱۸۵، ذیل هود (۱۱): ۴۲-۴۳؛ نیز رک. ثعلبی، الکشف و البیان، تصحیح ابومحمد بن عاشور (بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۲۰۰۲)، ج ۵/ص ۱۷۲-۱۷۳، ذیل تفسیر همین آیات.

کنند: ۲۲ «پیامبر و کسانی را که ایمان آورده‌اند نرسد که برای مشرکان آموزش طلبند، هرچند که خویشاوند باشند، پس از آن که برایشان روشن شد که آنان اهل دوزخ‌اند. آموزش طلبیدن ابراهیم برای پدرش نبود مگر از سر وعده‌ای که به او داده بود، پس چون بر او روشن شد که وی دشمن خداست از او بیزاری جست. راستی که ابراهیم بسیار دل‌سوخته و بردبار بود» (توبه (۹): ۱۱۳-۱۱۴). ۲۳

رویارویی ابراهیم با پدرش در قرآن را می‌توان بارویارویی موسی و فرعون (که در قرآن پدرخوانده موسی است) مقایسه کرد. در سوره شعراء، فرعون لطفی را که به موسی کرده بود به او یادآوری می‌کند: «آیا تو را در کودکی در میان خود نپروردیم؟» (شعراء (۲۶): ۱۸)، اما موسی از این موضوع متأثر نمی‌شود و از پذیرش درخواست فرعون برای پذیرش خدایی اش امتناع می‌ورزد: «فرعون گفت اگر خدایی جز از من اختیار کنی حتماً تو را از زندانیان خواهم ساخت» (شعراء (۲۶): ۲۹). موسی از فرعون می‌خواهد که به الله ایمان بیاورد، به «پروردگار آسمان‌ها و زمین» (شعراء (۲۶): ۲۴).

اما تفاوت آشکار ماجرای ابراهیم و موسی با نوح در این است که آن دو پسرانی مؤمن بودند رودرروی پدرانی کافر، در حالی که ماجرای نوح، تقابل پدری مؤمن است با پسری کافر. در سوره احقاف (۴۶)، قرآن به بحث از والدین باایمانی می‌پردازد که فرزند کافر تربیت می‌کنند<sup>۲۴</sup> و پس از تحسین پسری که مطیع والدین و خداوند است، چنین ادامه می‌دهد: «و آن دیگری که به پدر و مادرش گفت: اف بر شما! آیا مرا وعده می‌دهید که [از گور] بیرون آورده‌ام شوم، حال آن‌که نسل‌ها پیش از من درگذشتند؟ و آن دو به درگاه الله استغاثه می‌کردند [و می‌گفتند]: وای بر تو! ایمان بیاور، وعده خدا حق است. او می‌گفت این جز افسانه‌های پیشینیان نیست. انسان‌هایی چنین‌اند که وعده [عذاب] بر

۲۲. به نظر مارشال، این اطلاعات یک تسلسل تاریخی را نشان می‌دهد: در آیات مکی (ابراهیم (۱۴): ۴۱؛ مریم (۱۹): ۴۶-۴۷؛ شعراء (۲۶): ۸۶) و یک آیه مدنی (ق (۵۰): ۴) ابراهیم به پدرش وعده دعا کردن می‌دهد (یا او را عملاً دعا می‌کند؛ شعراء (۲۶): ۸۶)، اما در آیات مربوط به اواخر دوره مدنی (توبه (۹): ۱۱۴) قرآن می‌گوید که آن مورد استثنا بود و مؤمنان حق ندارند برای دشمنان دعا کنند. ۲۳. مضمون قطع رابطه با خانواده مشابه‌های جالبی در عهد جدید دارد، به‌ویژه: متی ۱۰: ۳۴-۳۹؛ لوقا ۱۲: ۴۹-۵۳. ۲۴. توجه به این آیه را مدیون نیکولای سینایی هستم.

آنان سزا گشته، در زمره امت‌هایی از جن و انس که پیش از آنان درگذشتند، به راستی که آنان زیان‌کار بودند» (احقاف (۴۶): ۱۷-۱۸). ۲۵

با این مقدمات، به نظر می‌رسد هدف از ترسیم چهره پسر گم‌شده نوح، ارائه مثالی از فرزند چینی نافرمان باشد. در واقع، احتمال دارد منظور قرآن از اشاره به او، ارائه مصداقی برای مورد فرضی موضوع بحث در سوره احقاف باشد. ۲۶ اما آشکار است که مسئله اعضای بی‌ایمان خانواده از دغدغه‌های ویژه قرآن است. در این زمینه باید به پافشاری قرآن در موارد دیگر توجه کرد، جایی که تأکید دارد ایمان‌آوردگان به خداوند با دشمنان خداوند و فرستاده او دوستی نکنند «گرچه پدران یا پسران یا برادران یا خویشان‌شان باشند» (مجادله (۵۸): ۲۲؛ نیز رک. لقمان (۳۱): ۱۴-۱۵؛ تغابن (۶۴): ۱۴). به نظر می‌رسد داستان پسر نوح و به‌ویژه شیوه سرزنش نوح توسط خداوند به‌خاطر احساسش نسبت به این فرزند، این درس را به مخاطبان قرآن می‌آموزد که باید همه کافران را طرد کنند، حتی اگر فرزندان‌شان باشند. ۲۷

مطالب مربوط به پسر گمراه نوح را می‌توان با بخش‌هایی مقایسه کرد که مخالفان نوح او را به دیوانگی یا جن‌زدگی متهم می‌کنند (مؤمنون (۲۳): ۲۵؛ قمر (۵۴): ۹). هر دوی این موارد ارتباط خاصی با پیامبر قرآن دارد. در واقع به نظر می‌رسد قرآن نگرانی جاری در زمان محمد<sup>ص</sup> پیرامون اعضای کافر خانواده را به زندگی نوح برده‌باشد. همین اتهام جنون علیه محمد<sup>ص</sup> نیز مطرح شده‌است (اعراف (۷): ۱۸۴؛ صافات (۳۷): ۳۶؛ دخان (۴۴): ۱۳؛ طور (۵۲)، ۲۹؛ قلم (۶۸): ۵۱)، چنان‌که گویی این موارد به اتهامات مطرح‌شده علیه نوح تبدیل شده‌باشد. می‌توان گفت که قرآن چهره نوح را به گونه‌ای

۲۵. قابل مقایسه با آیه پیش‌گفته از عنکبوت (۲۹): ۸، که در آن تأکید می‌شود که مؤمنان حق ندارند از پدران بی‌ایمان خود فرمان برند. ۲۶. هرچند بر اساس برداشتی سخت‌گیرانه از طرح گاه‌شمارانه نولدکه این غیرممکن است، زیرا بر آن اساس، سوره ۱۱ پیش از سوره ۴۶ نازل شده‌است (هرچند هردوی آن‌ها مربوط به دوره سوم مکی هستند). این نکته نیز شایان توجه است که سوره‌های مجادله و تغابن، که به آن‌ها اشاره کردم، بر اساس سنت نیز سوره‌های مدنی هستند. ۲۷. یک جا (بقره (۲): ۱۷۷) قرآن از مسئولیت (مالی) در قبال بستگان (ذی‌القربی؛ تعبیری که در حشر (۵۹): ۷ هم آمده و به نظر می‌رسد اشاره به بستگان محمد<sup>ص</sup> باشد) سخن می‌گوید. این مسئولیت را البته می‌توان در ذیل آیات فراوانی دید که در آن‌ها فقط از بستگان باایمان سخن گفته شده‌است.



از آثار یهودی یا مسیحی بعدی اشاره‌ای به آن می‌شود. در غار گنجینه‌های سریانی (قرن چهارم تا ششم) به پسر دیگر نوح به نام یوناتون (Yōnātōn) اشاره می‌شود، اما او پسری است که پس از طوفان به دنیا آمد.<sup>۲۹</sup>

با این حال، برخی پژوهشگران پیشین داستان قرآنی پسر گمراه نوح را به کتاب پیدایش مرتبط دانسته‌اند. آبراهام گایگر در کتاب محمد از یهودیت چه برگرفت در این باره به روایت باب نهم سفر پیدایش اشاره می‌کند که بر اساس آن حام (پسر نوح) مرتکب بی‌مبالاتی می‌شود و نوح پس از آن کنعان (پسر حام) را نفرین می‌کند.

۲۰. نوح کشتگر آغاز به غرس تاکستان کرد؛

۲۱. چون شراب نوشید، مست شد و درون خیمه خود برهنه گشت.

۲۲. حام، پدر کنعان، شرمگاه پدر خویش بدید و دو برادرش را در بیرون آگهی داد.

۲۳. لیک سام و یافث ردا را برگرفتند و هر دو آن را بر دوش خود افکندند و شرمگاه پدر خویش را پوشاندند؛ روی ایشان به عقب برگشته‌بود و شرمگاه پدرشان را ندیدند.

موضوعی تبدیل نشد و به همین علت مفسران درباره آن موضع تدافعی نگرفته‌اند.

یک مفسر معاصر البته متوجه ناسازگاری این ماجرا با سفر پیدایش شده و او ابن عاشور تونسلی (محمدطاهر بن عاشور؛ د. ۱۹۷۳) است که پسر گمراه نوح را «چهارمین پسر از همسر دومش که وائله نام داشت و غرق شد» توصیف کرده‌است. این سخن نشان‌دهنده توجه ابن عاشور به روایت کتاب مقدس از ماجراست، چون در کتاب مقدس و نه قرآن آمده که نوح با سه پسر خود سوار بر کشتی شد. ابن عاشور در بخش دوم مستقیماً به کتاب مقدس ارجاع می‌دهد و می‌گوید: «برخی گفته‌اند که نام او یام بود و برخی دیگر گفته‌اند نامش کنعان بود، اما این آن کنعان پسر حام و نیای کنعانیان نیست. توراتی که امروز در دست ماست اشاره به این پسر و مسئله غرق شدن او را حذف کرده و توضیح نمی‌دهد که آیا او همسری داشته‌است یا نه؛» ابن عاشور، تفسیر التحریر والتنویر (بیروت: مؤسسة التاریخ، ۲۰۰۰)، ص ۲۶۲، ذیل هود (۱۱): ۴۳.

۳۲. غار گنجینه‌ها به این فرزند فقط در دوران نمرود (که نامش در پیدایش ۱۰ آمده) اشاره کرده‌است:

*La caverne des trésors : les deux recensions syriaques*, ed. and transl. Su-Min Ri, Leuven, E. Peeters (“Corpus scriptorum christianorum Orientalium”, 486-487; “Scriptores syri”, 207-208), 1987, 27, 7 (R.or.).

در اثر سریانی کتاب زنبور که در قرن سیزدهم میلادی نوشته شده، آمده که این فرزند بعد از طوفان زاده شده‌است؛ رک:

*The Book of the Bee*, ed. and transl. Ernest Wallis BUDGE, Oxford, Clarendon, 1886, chap. 20.

ترسیم می‌کند که برای استفاده در تعلیمات پیامبر اسلام به کار آید.<sup>۳۰</sup> احتمالاً با همین نکته می‌توان توضیح داد که چرا قرآن تا این حد بر رویارویی نوح و قوم کافرش تمرکز می‌کند، ولی توجه چندانی به جزئیات طوفان نشان نمی‌دهد.<sup>۲۹</sup>

پس از بررسی جایگاه داستان پسر گمراه نوح در مضامین کلان قرآن، این پرسش به جا می‌ماند که آیا بین این داستان و روایات ذکرشده در منابع پیش از قرآن درباره نوح رابطه‌ای وجود دارد؟ البته ممکن است این روایت به‌طور کامل ساخته و پرداخته قرآن باشد. مارشال با ارجاع به مقاله‌ای از گوردون نیوبی (که در ادامه به آن خواهیم پرداخت)، به طرح این دیدگاه می‌پردازد. او می‌گوید که نبود هرگونه ذکری از پسر گمراه نوح در متون یهودی و مسیحی اولیه به این معناست که احتمالاً مسئله اعضای کافر خانواده در محیط و عصر قرآن به حدی اهمیت یافته که چنین روایتی را به میان آورد.<sup>۳۰</sup>

در واقع، داستان پسری که از سوار شدن به کشتی امتناع می‌ورزد، نه در سفر پیدایش<sup>۳۱</sup> آمده‌است و نه در هیچ یک

28. see SEGOVIA, *The Quranic Noah*, p. 11 ff.

۲۹. چنان‌که COMERRO DE PRÉMARE اشاره می‌کند واژه «طوفان» در روایت قرآن درباره نوح فقط یک جا (عنکبوت (۲۹): ۱۴) آمده‌است:

COMERRO DE PRÉMARE, “Un Noé coranisé”, p. 627.

۳۰. مارشال (God, Muhammad and the Unbelievers, p. 171-172) تأکید می‌کند که هر دو ماجرای دعای ابراهیم برای پدرش و پسر گمراه نوح اصالت قرآنی دارد و می‌نویسد: «اشبایر به نکته جالب توجهی اشاره می‌کند و آن این‌که در متون یهودی موضوع شفاعت ابراهیم برای پدرش یافت نمی‌شود (Speyer, 145). دقیقاً همان‌طور که نیوبی درباره موضوع قرآنی ابراز ترخم نوح نسبت به پسرش بحث می‌کند. از آن‌جا که موضوع دعای ابراهیم صرفاً از این باب که در سنت‌های کهن درباره ابراهیم مطرح شده در قرآن نیامده‌است، می‌توانیم این احتمال را مطرح کنیم که با یک نمونه پرورش مواد روایی کهن، به نحوی که با بافتار محمد<sup>ص</sup> متناسب باشد، مواجیم. این نشان می‌دهد که با یک مسئله در حیات خود محمد<sup>ص</sup> و / یا حیات کل امت مسلمان سروکار داریم.» ارجاع او به این منبع است:

Heinrich SPEYER, *Die Biblischen Erzählungen im Quran*, Hildesheim, G. Olms, 1961 (reprint of Grono, Verlag Dr. Theodor Marcus, 1931).

۳۱. مفسران مسلمان هم در مقام قاعده کلی به این‌که چرا این پسر گمراه نوح برای یهودیان و مسیحیان ناشناخته است نمی‌پردازند. این نکته جالب توجه است، چون در سایر موارد افتراق قرآن از کتاب مقدس – مانند روایت باور یهودیان به این‌که عزیر فرزند خداست (توبه (۹): ۳۰) یا باور مسیحیان به این‌که مریم موجودی الوهی است (مائده (۵): ۱۱۶) – مفسران کوشیده‌اند که اعتبار گزارش قرآن را ثابت کنند. البته این موارد به موضوعات مجادله بین مسلمانان و غیرمسلمانان تبدیل شدند. مورد پسر گمراه نوح به چنین

روایت‌ها کتاب عهد نفتالی، از متون قرن دوم پیش از میلاد، است که احتمالاً زبان اصلی آن یونانی بوده<sup>۳۶</sup> و داستان رؤیای نفتالی را بازگو می‌کند، رؤیایی که در آن یوسف سوار بر قایقی کوچک از کشتی‌ای غرق شده می‌گردد.<sup>۳۷</sup> اشپایر همچنین اشاره می‌کند که فلاویوس یوسیفوس (روزگار باستانی یهود، بخش ۱، ۲، ۴) از نمرود نوهٔ حام سخن می‌گوید که برج بابل را ساخته بود تا دژ دفاعی در برابر طوفان و سیلابی جدید باشد.<sup>۳۸</sup> احتمالاً نکتهٔ مهم در این جا آن است که هر دوی این شخصیت‌ها در حال مقاومت علیه سیل نمایش داده می‌شوند. اشپایر به برخی از سنت‌های ربی اشاره می‌کند که بر اساس آن‌ها، قابیل در آب‌های طوفانی فرو رفته است<sup>۳۹</sup> و در نهایت نتیجه می‌گیرد که: «ممکن است این روایت‌ها و سایر مطالب افسانه‌ای مشابه در مخیلهٔ محمد<sup>[ص]</sup> با روایت کتاب مقدس در آمیخته باشد».\*  
با این حال، می‌افزاید: «در هر صورت، در هیچ کجا روایت دقیقاً مشابهی با مطلب قرآن یافت نمی‌شود».<sup>۴۰</sup>

بعدتر از آن، گوردون نیوبی کوشیده است تا اشاره به پسر دیگر نوح در قرآن را توضیح دهد. او در سال ۱۹۸۶ در مقاله‌ای، حکایت باب ۹ سفر پیدایش را مبنای روایت پسر کافر نوح در سوره هود دانسته بود.<sup>۴۱</sup> محققان معمولاً گناه

۳۸. اشپایر همچنین به سنت‌هایی اشاره می‌کند که موضوع گناهکار بودن حام را مطرح کرده‌اند. در تلمود بابلی (Sanhedrin 108B) او بابت برقراری رابطهٔ جنسی در کشتی مؤاخذه می‌شود. آگوستین نیز او را نمونهٔ نخستین بدعت‌گزاران شمرده است:

*City of God*, 16, 2.

۳۹. *Genesis Rabbah*, 22, 12; transl. Benjamin FREEDMAN, London, Soncino, 1983, p. 191; cf. 32, 5; transl. FREEDMAN, p. 252. See also Testament of Naphtali, 6, 1-10.

اشاره به سیل از متنی که در این منبع ترجمه شده افتاده است:

CHARLESWORTH (ed.), *The Old Testament Pseudepigrapha*, p. 813;

در منبعی که مورد استفاده اشپایر بوده این اشاره حفظ شده است:

Emil KAUTZSCH, *Die Apokryphen und Pseudepigraphen des Alten Testaments*, Tübingen-Freiburg, Mohr, 1900, II, p. 504.

\* [چنین اظهارنظری ناشی از تلقی نادرست اشپایر از نگاه مسلمانان به حقیقت وحی است و با وجود غیرمنصفانه بودن، برای حفظ امانت و نیز آگاهی خوانندگان از آراء نویسنده، در ترجمه حفظ شد. مترجم]

۴۰. SPEYER, *Die Biblischen Erzählungen im Quran*, p. 106.

۲۴. نوح چون از مستی خود هوشیار گشت دریافت که کوچک‌ترین پسرش با او چه کرده است.

۲۵. و گفت: «نفرین بر کنعان! از برای برادران خود بندهٔ بندگان باشد!».

۲۶. نیز گفت: «متبرک باد یهوهٔ خدای سام! و کنعان بندهٔ او باشد!»

۲۷. خدا یافث را فراخی بخشید و در خیمه‌های سام سکنی گزیند و کنعان بندهٔ او باشد».<sup>۳۳</sup>

البته گایگر دقیقاً توضیح نمی‌دهد که چگونه بی‌مبالاتی حام می‌توانسته است عامل طراخی روایت قرآن پیرامون پسر گمراه نوح بوده باشد.<sup>۳۴</sup>

هاینریش اشپایر نیز در روایات کتاب مقدس در قرآن بر همین نظر است و مبنای این روایت را داستان حام در باب نهم پیدایش می‌داند،<sup>۳۵</sup> اگرچه به چند روایت دیگر با مضامین مشترک نیز اشاره می‌کند. منع یکی از این

۳۳. چنان‌که در اثر زیر نشان داده شده، بخش مستی نوح (شامل نفرین کنعان) پایان تراژیک داستان نوح است: شخصیتی که بدون این پایان‌بندی یک قهرمان جلوه می‌کرد. نوح تنها چهرهٔ برحق در نسلی حق‌گریز است و با موقفیت انسان‌ها و حتی حیوان‌ها را از طوفانی جهان‌گیر نجات می‌دهد؛ رک.

Laura LIEBER, "Portraits of Righteousness: Noah in Early Christian and Jewish Hymnography", *Zeitschrift für Religions- und Geistesgeschichte*, 61 (2009), p. 332.

۳۴. او فقط می‌گوید که این روایت «احتمالاً برآمده از عملکرد شورانگهٔ پسرش حام در دورهٔ بعد از طوفان است»؛ رک.

Abraham GEIGER, *Was hat Mohammed aus dem Judenthume aufgenommen*, Leipzig, M.W. Kaufmann, 1902 (reprint of Bonn, Baaden, 1833), p. 109.

گایگر همچنین به این نکته می‌پردازد که چگونه قرآن در آیهای دیگر (تحریم (۶۶): ۱۰) همسر نوح را به خیانت به شوهرش متهم می‌کند (در قرآن نام او کنار نام همسر لوط آمده است). با توجه به این‌که در سنت ربی هیچ بحثی دربارهٔ خیانت همسر نوح مطرح نشده، گایگر این احتمال را مطرح می‌کند که پای «اشتباه و خلط مبحث» (Irrtümer und Vermischungen) در میان باشد؛ رک.

Ibid., p. 109.

John Bergsma و Scott Hahn این بحث را مطرح می‌کنند که در پیدایش ۹ اشاره شده که حام با مادرش (همسر نوح) روابطی داشته است. برای همین است که نوح در پیدایش (۹: ۲۵-۲۷) پسر حام، یعنی کنعان، را نفرین می‌کند (باید آن را چنین فهمید که کنعان ثمرهٔ رابطه‌ای نامشروع است).

John BERGSMAS & Scott HAHN, "Noah's Nakedness and the Curse on Canaan" (Genesis 9, 20-27), *Journal of Biblical Literature*, 124 (2005), p. 25-40.

اگر نظر این دو را هم بپذیریم، باز دشوار بتوان تصور کرد که اتهام قرآن به همسر نوح در سورهٔ تحریم ناظر به پیدایش ۹ باشد، چون در تفسیرهای کهن این آیات اشاره‌ای به موضوع زنا با مادر نشده است.

۳۵. SPEYER, *Die Biblischen Erzählungen im Quran*, p. 105.

روایت پسر گمراه نوح در قرآن و ماجرای نوح و حام در باب نهم سفر پیدایش<sup>۴۶</sup> را محتمل می‌بیند، اگرچه دغدغه اصلی او (چنان که در بالا ذکر شد) اشاره به ارتباط بین این روایت با وضعیت جامعه نوپای مسلمان در عربستان در زمان ظهور اسلام است.<sup>۴۷</sup>

در نهایت، کارلوس سگویا اشاره می‌کند که وقتی به دنبال روایت‌های پیشینی در کتاب مقدس برای روایت قرآنی پسر گمراه نوح می‌گردیم، نباید فقط مطالب مربوط به نوح را در کتاب مقدس بررسی کنیم؛ بلکه می‌توانیم تصور کنیم که این روایت تجلی نوینی از توپوسی است که در اعتراض ابراهیم به عذاب سدوم در باب هجدهم سفر پیدایش و زاری داود بر مرگ پسرش ایشالوم در باب ۱۸ کتاب دوم سموئیل دیده می‌شود.<sup>۴۸</sup>

این را هم بیفزاییم که اکثر متون تفسیری نام پسر گمراه نوح را کنعان نوشته‌اند: رک. مقاتل بن سلیمان، تفسیر، تصحیح عبدالله محمد الشحاته (بیروت: دارالتراث العربی، ۲۰۰۲)، ج ۲/ ص ۲۸۳، ذیل هود (۱۱): ۴۲؛ زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، تصحیح مصطفی حسین احمد (بیروت: دارالکتب العربی، ۱۹۸۷)، ج ۱/ ص ۳۹۶، ذیل هود (۱۱): ۴۲-۴۳؛ ابراهیم البقاعی، نظم الدرر فی تناسب الآیات والسور، تصحیح عبدالرزاق غالب المهدی (بیروت: دارالکتب العلمیة، ۲۰۱۱)، ج ۳/ ص ۵۳۲. نظر دیگری هم هست، و آن این که نام این پسر «یام» بوده است. نیوی این احتمال را مطرح می‌کند که این نام برگرفته از کلمه Yam (م) به معنای «دریا» در زبان سامی شمال غربی باشد، نامی که در برخی سنت‌ها برای الاهی آب به کار رفته است. این الاهی «نماینده نیروی شر در برابر خدای مهربان آسمان یعنی بعل است».

NEWBY, "The Drowned Son", p. 24;

واقعیت آن است که «یام» بی تردید تصحیف نام «حام» در کتاب مقدس است، نکته‌ای که ظاهراً تردیدی به جای نمی‌گذارد که مفسران برای فرزند گمراه نوح نامی دست‌وپا کرده‌اند که برگرفته از شخصیت‌های نفرین شده در کتاب مقدس و در ماجرای نوح در کتاب مقدس است.

46. See NEUWIRTH, *Der Koran als Text der Spätantike*, p. 629-631.

47. *Ibid.*, p. 630.

48. SEGOVIA, *The Quranic Noah*, p. 7.

تلاش نه‌چندان متقاعدکننده دیگر برای توضیح پسر گمراه نوح از سوی براین براون بوده است. به نظر براون، قرآن راوی سنتی کهن است که در کتاب مقدس ثبت نشده و بر اساس آن نوح صاحب چهار پسر است: حام، یافث، سام، و کنعان. جوان‌ترین این فرزندان، کنعان، در طوفان غرق شده و پس از مرگش، حام نام او را بر فرزند خود نهاده است (از همین روست که در سفر پیدایش نام نوه نوح کنعان است). او می‌نویسد: «در کتاب مقدس، حام، دیگر پسر نوح، فرزند خود را کنعان نامیده است که شکی نیست که این نام‌گذاری ناظر به نام برادر گمراه است. برای همین، این نام برای یهودیان و مسیحیان ناشناخته نیست»:

Brian BROWN, *Noah's Other Son: Bridging the Gap between the Bible and the Qur'an*, New York, Continuum, 2007; p. 51.

حام را برهنه دیدن نوح (بر اساس برداشت تحت اللفظی از کتاب مقدس)، سوءاستفاده جنسی یا اخته کردن او دانسته‌اند.<sup>۴۲</sup> با این حال، برای توضیح این که چرا نوح این‌جا کنعان را نفرین می‌کند و نه خود حام را، برخی منابع یهودی (نیوی از کتاب ربی العازر نام می‌برد، هرچند عمدتاً متنی پساقرائی است) و برخی آباء کلیسا (نیوی از اورینگس نام می‌برد)<sup>۴۳</sup> اشاره می‌کنند که کنعان است که علیه نوح مرتکب عملی شنیع می‌شود، نه حام.

نیوی خاطر نشان می‌کند که ماجرای برهنگی نوح در کتاب یوبیل (قرن دوم پیش از میلاد) را می‌توان این‌گونه تفسیر کرد که در واقع کنعان پسر نوح است: «نوح چون از مستی خود هوشیار گشت هر آنچه را کوچک‌ترین پسرش با او کرده بود دریافت و پسرش را نفرین کرد و گفت: "نفرین بر کنعان! از برای برادران خود بنده بندگان باشد!"» (یوبیل، ۷: ۱۰-۱۱).<sup>۴۴</sup> بنابراین نیوی پیشنهاد می‌کند، ولی به صراحت نمی‌گوید، که شاید ماجرای پسر کافر نوح در سوره هود تحت تأثیر کتاب یوبیل باشد.<sup>۴۵</sup>

انگلیکا نویورت نیز به پیروی از ایشاپیر، ارتباطی بین

41. NEWBY, "The Drowned Son".

درباره نوح در قرآن همچنین این منبع را ببینید:

Erica MARTIN, "The Literary Presentation of Noah in the Qur'an", in *Noah and His Book(s)*, ed. Michael Edward STONE, Aryeh AMILHAY & Vered HILLEL, Leiden-Atlanta, Brill-Society of Biblical Literature ("Early Judaism and its literature", 28), 2010, p. 253-275.

مارتین برای توضیح موضوع پسر گمراه نوح در قرآن تلاشی نمی‌کند.

۴۲. همان طور که Hahn و Bergsma در مقاله «عربانی نوح» نشان داده‌اند، اصطلاح «آشکار کردن عربانی» (قس. پیدایش ۹: ۲۱-۲۲) تعبیری است که در باب ۱۸ کتاب سفر لاویان مکرراً به معنی عمل جنسی به کار می‌رود.

43. See ORIGEN, *Homilies on Genesis*, Homily 16, Engl. translation (*Fathers of the Church*), p. 215.

44. Transl. WINTERMUTE, *The Old Testament Pseudepigrapha*, 2, 69. For the Ethiopic see *The Book of Jubilees: A Critical Text*, ed. James C. VANDERKAM, Leuven, E. Peeters ("Corpus scriptorum christianorum Orientalium", 510; "Scriptores aethiopicici", 87), 1989, p. 44.

۴۵. نیوی در جای دیگر این مسئله را با تجربه شخصی محمد<sup>ص</sup> پیوند می‌زند: «نوح پدر مهربان و احساساتی خانواده تصویر شده است که از دیدن این که "پسرش" به رسالت او ایمان نمی‌آورد و گمراه می‌شود، غمناک است. می‌بینیم که نوح فردی احساساتی و مهربان است و برای نجات یک فرد هم با خداوند جدال می‌کند. خلاصه این که نوح قرآن فردی متفاوت با نوح ناخام‌هاست. همان قدر که می‌توانیم ماجرای نوح را یک روایت موازی از ماجرای محمد بدانیم - و به نظر من می‌توانیم - مهربانی نوح از نگرانی محمد بابت کسانی که به رسالتش ایمان نمی‌آورند خبر می‌دهد»؛ رک.

NEWBY, "The Drowned Son", p. 29;

پیش از عرضه نظریه خود در این باره، شاید لازم باشد اشاره کنم که این موردنا سازگاری روایت قرآن با روایت‌های کتاب مقدس به هیچ وجه منحصر به فرد نیست. قرآن در بسیاری موارد، شخصیت‌های کتاب مقدس را با تغییراتی چشم‌گیر ترسیم می‌کند؛ در قرآن، هامان (قصص (۲۸): ۸، ۶، ۳۸؛ عنکبوت (۲۹): ۳۹؛ غافر (۴۰): ۲۴، ۳۶) نه در ایران، بلکه در مصر به‌عنوان دستیار و مشاور فرعون ظاهر می‌شود؛ مریم [مادر عیسی] خواهر هارون (مریم (۱۹): ۲۸) و دختر عمران (آل عمران (۳): ۳۳) به بعد یاد می‌شود که به مریم کتاب مقدس عبرانی / عهد عتیق عبری شباهت دارد (رک. خروج ۶: ۲۰؛ ۱۵؛ ۲۰؛ اول تواریخ ۵: ۲۹)؛ در قرآن، همسر پوتیفار دوستانش را گرد هم می‌آورد تا شاهد زیبایی یوسف باشند (یوسف (۱۲): ۳۰-۳۲)، حکایتی که در هیچ کجای کتاب مقدس یافت نمی‌شود. اکنون برخی از این تفاوت‌ها را می‌توان با درک روش پرورش روایت‌های کتاب مقدس در متون و سنت‌های بعدی توسط یهودیان و مسیحیان توضیح داد.<sup>۴۹</sup> اما از نظر من، قرآن هرگز دریافت‌کننده منفعل سنت‌های پیش از خود نبوده‌است، چه خاستگاه این سنت‌ها کتاب مقدس باشد، چه میدراش و چه منابع دیگر. قرآن مطالب را بر اساس دغدغه‌های الهیاتی و جدلی خود انتخاب می‌کند و شکل می‌دهد. درک این دغدغه‌ها در تحلیل رابطه قرآن با کتاب مقدس اهمیت بسیار دارد.

بدین منظور باید اشاره کرد که شخصیت نوح در قرآن ارتباط خاصی با شخصیت لوط دارد. همان‌طور که در بالا اشاره شد، قرآن در سوره تحریم (۶۶) به‌صراحت همسران نوح و لوط را مرتبط می‌شمارد: «الله برای کسانی که کافر ۴۹. آدم سیلورشتاین نشان داده که چنین چیزی درباره هامان می‌تواند درست باشد؛ رک.

Adam SILVERSTEIN, "Haman's Transition from the Jahiliyya to Islam", *Jerusalem Studies in Arabic and Islam*, 34 (2008), p. 285-308.

درباره مریم رک.

Guillaume DYE, "Lieux saints communs, partagés ou confisqués: aux sources de quelques péripécies coraniques (Q 19:16-33)", in *Partage du sacré: Transferts, dévotions mixtes, rivalités interconfessionnelles*, eds Isabelle DÉPRET & Guillaume DYE, Brussels, E.M.E. & Intercommunications, 2012, p. 55-122.

درباره یوسف رک.

James KUGEL, *In Potiphar's House*, San Francisco, Harper & Row, 1990, p. 28-65.

شده‌اند زن نوح و زن لوط را مثل آورده که در نکاح دو بنده صالح از بندگان ما بودند، پس به آنان خیانت کردند و آن دو پیامبر در برابر الله هیچ سودی به حال آنان نداشتند، و گفته‌شد: با داخل‌شوندگان به آتش دوزخ درآیید» (تحریم (۶۶): ۱۰).<sup>۵۰</sup>

البته شاید پیش از قرآن، سفر پیدایش به ارتباط نوح و لوط اشاره کرده‌باشد.<sup>۵۱</sup> در واقع محققان کتاب مقدس داستان نجات لوط و دخترانش در باب نوزدهم پیدایش را به‌نوعی تفسیر روایت نوح دانسته‌اند.<sup>۵۲</sup> این ارتباط در سنت مسیحی نیز یافت می‌شود.<sup>۵۳</sup> انجیل لوقا ۱۷ از اشاره عیسی به روایت‌های نوح و لوط سخن می‌گوید، عیسی از این داستان‌ها استفاده می‌کند تا توضیح دهد که ملکوت خدا ناگهان خواهد آمد:

۲۶ و آن‌چه در روزگار نوح روی داد، در روزگار پسرانسان نیز واقع خواهد گشت.

۲۷ می‌خوردند و می‌نوشیدند و زن و شوی می‌گرفتند تا آن روز که نوح به کشتی درآمد و طوفان در رسید و جمله ایشان را هلاک کرد.

۲۸ در روزگار لوط نیز چنین روی داد: می‌خوردند و

۵۰. اشارات پشت سر هم نخست به لوط و سپس به نوح در انبیاء (۲۱): ۷۴-۷۷ هم شبایان توجه است.

۵۱. در میدراش به این موضوع پرداخته شده‌است. از باب نمونه، *Genesis Rabbah* درخواست ابراهیم از خداوند درباره ویران‌نساختن سدوم در صورت وجود ده تن دادگر در آن (پیدایش ۱۸: ۳۲) را با مقایسه خاندان نوح با خاندان لوط توضیح می‌دهد: «شاید ده تن در میانشان باشد، ده دادگر در میان سدومیان. چرا ده؟... چون در نسل طوفان هشت تن (دادگر، یعنی نوح و همسر و سه فرزند و همسرانشان) ماندند، با وجود این، حضور آنان مانع از آن نشد که عذاب بر جهان نازل شود. توضیح دیگر: چرا ده؟ چون ابراهیم اندیشید که ده تن در این شهر هستند: لوط، همسرش، چهار دخترش و چهار دامادش» (بابت اشاره به این موضوع باید از Michael Novick تشکر کنم):

*Genesis Rabbah* 49, 13; I, p. 432.

۵۲. اما در عوض، ماجرای پسر گمراه نوح را باید صورت تطویر یافته همسر گمراه لوط (پیدایش ۱۹: ۲۶) به شمار آورد. در قرآن، همسر لوط کسی نیست که به‌صورت اتفاقی و از سر کنجکاو به پشت سر خود نگاه کرد، بلکه یکی از کسانی است که از همراهان لوط عقب ماند (رک. اعراف (۷): ۸۳؛ حجر (۱۵): ۶۰؛ شعراء (۲۶): ۱۷۱؛ نمل (۲۷): ۵۷؛ عنکبوت (۲۹): ۳۲-۳۳؛ صافات (۳۷): ۱۳۴-۱۳۵). در یک مورد (نمل (۲۷): ۵۷) قرآن می‌گوید که این تقدیر خداوند بود که او چنین کند.

53. See: Dieter LUHRMANN, "Noah und Lot (Lk 17:26-29): ein Nachtrag", *Zeitschrift für die neutestamentliche Wissenschaft*, 63 (1972), p. 130-132.

نوح همراه با دانیال و ایوب استفاده می‌کند: ۵۵

۱۳ ای پسر انسان، اگر سرزمینی بر من گناه کند و خیانت ورزد و بر آن دست برافرازم و ذخیره نان آن را نابود کنم و قحطی بر آن گسیل دارم تا جانوران و مردمان را از آن منقطع سازم.

۱۴ و در این سرزمین این سه مرد، یعنی نوح و دانیال و ایوب، باشند، این مردان به لطف دادگری خویش جان خود را نجات خواهند بخشید، کلام خداوند یهوه.

۱۵ اگر جانوران درنده را در این سرزمین رها سازم تا آن را از فرزندانش محروم کنم و متروکه‌ای از آن سازم که به سبب جانوران کس نتواند از آن بگذرد.

۱۶ و این سه مرد در این سرزمین باشند، به حیاتم سوگند - کلام خداوند یهوه - ایشان نخواهند توانست پسران و دختران را نجات بخشند، تنها آنان نجات خواهند یافت و سرزمین متروکه خواهد گشت.

۱۷ اگر علیه این سرزمین تیغ برآورم، اگر بگویم: «از این سرزمین تیغ بگذرد و جانوران و مردمان آن را فروکوبم»،

۱۸ و این سه مرد در آن سرزمین باشند، به حیاتم سوگند - کلام خداوند یهوه - ایشان نخواهند توانست پسران و دختران را نجات بخشند، تنها آنان نجات خواهند یافت.

۱۹ اگر طاعون بر این سرزمین گسیل دارم و خشم خویش را علیه ایشان در خون ریزم و جانوران و مردمان را منقطع سازم.

۲۰ و نوح و دانیال و ایوب در این سرزمین باشند، به حیاتم سوگند - کلام خداوند یهوه - ایشان پسران و دختران را نجات نخواهند بخشید، بلکه به لطف دادگری خویش جان خود را نجات خواهند بخشید.

(حزقیال ۱۴: ۱۳-۲۰)

انتخاب نوح به عنوان چهره نمونه در کتاب حزقیال ۱۴ احتمالاً بیش از هر چیز، باور به درستکاری او را براساس پیدایش ۶

کتاب حزقیال (۱۴: ۱۴-۱۶) در کتاب مقدس مربوط می‌شود:

COMERRO, "Un Noé coranisé", p. 628.

۵۵. نوح به‌طور خاص مثال مناسبی برای حزقیال است، چون یکی از پسرانش، یعنی حام، در ماجرای مست شدن نوح در سفر پیدایش (۹) مرتکب گناه می‌شود.

می‌نوشیدند و می‌خریدند و می‌فروختند و می‌کاشتند و می‌ساختند؛

۲۹ لیک آن روز که لوط از سدوم برون شد، خدا از آسمان آتش و گوگرد بارید و جمله ایشان را هلاک گرداند. (لوقا ۱۷: ۲۹-۲۶)

این توازی و مشابهت میان نوح با لوط در فصل دوم رساله دوم پطرس نیز دیده می‌شود؛ در آنجا نوح و لوط به‌عنوان دو مرد درستکار از میان مردمانی که سرنوشتشان نابودی بود، برگزیده می‌شوند:

۵ همچنین در جهان قدیم به هیچ کس ترحم نفرمود و بر عالم اشرار طوفان فرستاد، جز هشت تن که از جمله آنان نوح بود که به صلاح دعوت کرد.

۶ خداوند شهرهای سدوم و عموره را ویران کرد و از آنها و حومه آنها تلی خاکستر ساخت، تا عبرتی باشند بر اشرار پسین.

۷ و لوط نیکوکار را که از اعمال هرزه آن قوم نابه‌کار دل‌آزرده شد،

۸ این مرد درستکار در میان آنان می‌زیست و هر روز از هرزگی آنان می‌شنید، آن را می‌دید و جان نیکوکارش به تنگ می‌آمد. (رساله دوم پطرس ۲: ۵-۸)

بدین ترتیب، می‌توان فرض کرد که قرآن مانند روایتش در مورد لوط و از دست دادن یکی از اعضای خانواده او، یعنی همسرش (اعراف (۷): ۸۳؛ هود (۱۱): ۸۱؛ حجر (۱۵): ۵۹ - ۶۰؛ شعراء (۲۶): ۱۷۰-۱۷۱؛ نمل (۲۷): ۵۴ - ۵۸؛ عنکبوت (۲۹): ۳۲ - ۳۳؛ صافات (۳۷): ۱۳۴-۱۳۵)، این توازی را با از دست رفتن یکی از اعضای خانواده نوح، یعنی پسرش، جبران می‌کند.

اما به باور من، داستان پسر گمراه نوح در قرآن را تنها با توجه به بخشی از کتاب حزقیال می‌توان به بهترین وجه توضیح داد؛ در آن بخش، به این نکته اشاره می‌شود که فضایل و شایستگی‌های یک پدر هیچ سودی به حال پسر گناه‌کار او نخواهد داشت.<sup>۵۴</sup> حزقیال برای رساندن این نکته از مثال

۵۴. کومرو در مقاله خود به این نکته توجه کرده که میان حزقیال و پسر گم‌شده نوح در قرآن نسبتی برقرار است. او می‌نویسد: «ماجرای مذکور در هود (۱۱): ۴۸-۲۵ به‌طور خاص شایان توجه است، چون در بردارنده عنصری است که در روایت موازی‌ای در خارج قرآن یافت نشده است، هرچند به بخشی از

نیستند، بلکه «به حضور داود» وارد می‌شوند (ص ۳۸) (۲۲) و داود میان آنان داوری می‌کند.<sup>۵۸</sup> مشابه این اتفاق دربارهٔ پسر نوح در حزقیال ۱۴ ذکر شده است. شخصیت نظری این پسر، که به خاطر گناهانش می‌میرد، در قرآن تغییر می‌یابد و به شخصیتی واقعی بدل می‌شود که واقعاً به خاطر ارتکاب گناهان به کام مرگ می‌رود. مکالمهٔ بعدی نوح با خداوند دلیل این تغییر را آشکار می‌کند: هدف روایت پسر گمراه نوح، نمایش و اثبات یکی از استدلال‌های اصلی قرآن است، این‌که مؤمنان باید همهٔ کافران را، حتی اگر از اعضای خانواده‌شان باشند، وانهند.

و ۹ بازتاب می‌دهد (به‌رغم حادثهٔ مستی نوح در پیدایش ۹).<sup>۵۶</sup> همچنین نام او در کنار چهره‌هایی چون دانیال و ایوب ذکر می‌شود که به درستی‌کاری در شرایط محنت و آزمون‌های دشوار معروفند.

چندین فصل بعد، نوای الهی در حزقیال به این نقطه بازمی‌گردد و از زبان خداوند اعلام می‌کند: «اینک تمامی جان‌ها از آن من هستند، جان پدر همانند جان پسر از آن من است. آن کس که گناه کرده است همو خواهد مُرد» (حزقیال ۱۸: ۴). اهمیت این عبارات برای مقاصد ما در روش سخن‌گفتن نظری حزقیال از پسر نوح (به همراه دانیال و ایوب) نهفته است که به خاطر رفتار گناه‌کارانهٔ خود می‌میرد.<sup>۵۷</sup> در قرآن این پسر دیگر ماهیت نظری ندارد و به یک شخصیت واقعی تبدیل می‌شود.

نمونهٔ مشابه و موازی این تبدیل نظریه به واقعیت را در گفت‌وگوی داود با دو طرف دعوا در سورهٔ ص (۳۸): ۲۱-۲۶ می‌توان یافت. در کتاب دوم سموئیل ۱۲: ۱-۱۳ ناتان نبی تمثیلی دربارهٔ دو مرد به داود می‌گوید که یکی از آنان بره‌ای را از دیگری دزدیده است. هدف ناتان از ذکر این مثل آن است که داود را متوجه گناهش در تصاحب بتشیع، همسر اوریا، کند. در قرآن، این دو مرد صرفاً شخصیت‌هایی نظری

۵۶. باوری مشابه را در حکمت بن سیرا ۱۴: ۱۷، کتاب یوبیل ۵: ۱۹، اخنوخ ۶۷: ۱ می‌توان یافت که در این آخری با اشاره به پیدایش (۶: ۹) آمده: «در آن زمان، کلمهٔ خداوند بر من نازل شد، گفت: "ای نوح! نصیب تو برای من صعود کرد، نصیبی که هیچ‌ننگی در آن نیست، نصیب عشق راستین"». همچنین نظیر آن را در رسالهٔ دوم پطروس (۲: ۵) و رسالهٔ به عبرانیان ۱۱: ۷ می‌یابیم: «با ایمان، نوح که از سوی خدا از آنچه هنوز نمایان نبود آگهی یافته بود، دچار ترسی پرهیزگاران شد و بهر نجات خانوادهٔ خویش کشتی بساخت. با ایمان، دنیا را محکوم کرد و وارث دادگری شد که با ایمان به دست می‌آید».

۵۷. کومرو موضوع را طور دیگری مطرح می‌کند: «می‌توان پسر گمراه نوح را در بافتار بازگویی حزقیال ۱۴: ۱۶ دید، بی آن‌که این به معنای انتقال مستقیم باشد» (p. 628). این ایده که این پسر در پی فرار از طوفان بر کوه برآمده است به اندازهٔ کافی منطقی هست و احتمالاً توضیح بیش‌تری لازم نداشته‌باشد. با وجود این، دست‌کم جالب توجه است که در غار گنجینه‌های سریانی، فرزندان شیث پس از آن‌که راه ورود به کشتی به رویشان بسته می‌شود، تلاشی عبث برای بالارفتن از کوه فردوس برای فرار از طوفان انجام می‌دهند. این فرزندان وقتی می‌بینند که موج‌ها از هر سوی آنان را فرا گرفته است، بسیار نگران می‌شوند و می‌کوشند که بر فراز کوه فردوس شوند، اما نمی‌توانند:

*La caverne des trésors*, 18, 12-13 (R.Or.);

احتمال دارد که این بخش از غار گنجینه‌ها الهام‌گرفته از پیش‌بینی دربارهٔ آیندهٔ رئیس‌صورت در حزقیال ۲۸: ۶-۹ باشد.

۵۸. با وجود این، این ماجرا همچنان اشاره‌ای به گناه داود دارد. در ص (۳۸): ۲۴ داود پس از داوری میان این دو تن «از پروردگار خود آموزش طلبید و به خاک افتاد و انابه کرد»؛ دربارهٔ این بخش رک.

SPEYER, *Die Biblischen Erzählungen im Qoran*, p. 378 and *The Qur'ān Seminar Commentary*, ed. Mehdi AZAIEZ, Gabriel Said REYNOLDS, Tommaso TESI & Hamza M. ZAFER, Berlin, De Gruyter, 2016, p. 326-332.

## Table of Contents

### Editorial

“The Legacy of the Iranian World”: Fourth Journal of The Written Heritage Research Institute ..... 3-4

### Articles

The Firman for the Supervision of Abu Ishaqqiyya’s Shrine in the Musalla of Shiraz: An Islamic Scriptorium in the 9th Hijri Century / Emadoddin SILEYKHOLHOKAMAEE ..... 5-7

The Chapter on Alfaḍ-i Kufr (Heretical Utterances) from *Jawahir al-Fiqh* (Jewels of Fiqh) by Muhammad ibn Manṣūr al-Bukhari (Second Half of the 6<sup>th</sup> Hijri Century(?) / HamidReza (Babak) SALMANI ..... 8-32

A Section on Alfaḍ-i Kufr (Heretical Utterances) from *Al-Walad al-Shafiq wa-l-Hāfid al-Khalīq* (The Tender-Hearted Son and the Gentle Grandson), Including an Examination of the Treatise on 310 Heretical Utterances Edited by Rasoul Jafariyan / Saeed LAYAN ..... 33-46

A Fresh Look at the word *Sāmān* in a Hemistich of *Shahname* / Reza GHAFOURI ..... 47-51

A Copy of the Qaṣīdat al-burda Ascribed to the Famous Calligrapher Yāqūt al-Musta’ṣimī / Raphaella VELLU; Translated by AmirHossein DAVOUDVANDI ..... 52-58

Noah’s Lost Son in the Qur’an / Gabriel Said REYNOLDS; Translated by Nasim HASSANI ..... 59-70

Was the *Safarnāme* (Travelogue) Written by Nāṣir-i Khusraw? / MohammadReza TAVAKKOLI SABERI ..... 71-81

*Rubāʿiyyāt* of Kāfi-i Zafar-i Hamedānī and Qutb al-Dīn-i Atiqī-i Aharī in the Anthology of the University of Istanbul / Ali KAMELI ..... 82-84

### Reviews and Critiques

In Memory and as a Memento of the Mystic Iranologist, Leonard Louison / Majdoddin KEYVANI ..... 85-88

An Examination of the “*Sultan Fatih’in Şahsi Kütüplüğü*” *Yazma Eser Sergisi Kataloğu* (The Personal library of Sultan Fatih; Catalogue of Manuscript Exhibition) / Ali SAFARI AQ-QALEHI ..... 89-96

*Sa’adat-i Ahl-i Fārs* (Prosperity of the People of Fārs): On the Attribution of the Author of *Tarikh-i Khaliq-i Fārs* (A History of the Persian Gulf) to the City of Kazerun / MohammadSadegh MIRZAABOLGHASEMI ..... 97-101

### Essays on Research

What Does an Etymologist Do? (14) / Seyyed AhmadReza QAEMMAQAMI ..... 102-109

### Introducing Codicologists and Textual Scholars (8)

A Benevolent Author: An Exploration of Muhammad Gulbun’s Life and Works / Mehdi BETIKTAL ..... 110-118

### Iran in Ottoman Texts and Sources (27)

Life and Works of Sari Abdullah Efendi / Nasrollah SALEHI ..... 119-125